

تعاون و کشاورزی، سال هشتم، شماره ۳۰، تابستان ۱۳۹۸

بررسی وضعیت واگذاری فعالیت‌های کشاورزی و منابع طبیعی به بخش غیردولتی از نظر مدیران و کارشناسان وزارت جهاد کشاورزی

شهره سلطانی^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۲/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۴/۲۳

چکیده

همانند اکثر سازمان‌های امروزی، به‌منظور کارآمدی فعالیت‌های بخش کشاورزی و منابع طبیعی، توازی از هر دو بخش دولتی و غیردولتی در انجام فعالیت‌ها باید وجود داشته باشد. با توجه به ضرورت افزایش نرخ واگذاری فعالیت‌ها به بخش غیردولتی، تحقیق حاضر در وزارت جهاد کشاورزی انجام گرفت. در پژوهش حاضر، با بهره‌گیری از روش کیفی، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته‌ای با ۲۱ نفر از مدیران و کارشناسان مسئول آگاه از زمینه موضوع تحقیق انجام شد. یافته‌های تحقیق با استفاده از نرم‌افزار MAXQDA تحلیل شد. نتایج تحقیق نشان داد که مهم‌ترین بخش از واگذاری فعالیت‌ها در وزارت جهاد کشاورزی مربوط به واگذاری ترویج و خدمات کشاورزی به بخش خصوصی است و دولت عمدتاً در زمینه سیاست‌گذاری و تصمیم‌سازی‌های کلان بخش کشاورزی نقش دارد و لذا به مشارکت بیشتر بخش غیردولتی در این زمینه نیاز است. همچنین بخش غیردولتی در سرمایه‌گذاری و تولید نقش بسیار زیادی دارد و در این باره به هدایت و حمایت دولت از کشاورزان خرده‌پا نیاز است. در زمینه مدیریت و نظارت و ارزشیابی، مشارکت نهادهای غیردولتی (به‌ویژه نهادهای مردمی و تعاونی) به دلایلی همچون ضعف و ناتوانی این تشکلهای در چانه‌زنی و مذاکره، بسیار کم است؛ بنابراین، در فهرست پیشنهادی این تحقیق، اولین و مهم‌ترین راهکار، توانمندسازی بخش غیردولتی برای ایفای نقش خود در زمینه بهبود وضعیت کشاورزی و منابع طبیعی است.

واژه‌های کلیدی: تمرکززدایی، مشارکت، بخش غیردولتی، بخش کشاورزی

۱. استادیار مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی، اقتصاد کشاورزی و توسعه روستایی

مقدمه

خصوصی‌سازی در واقع سیاستی در جهت تعادل بخشیدن به عملکرد دولت در مقایسه با دیگر بخش‌های اقتصادی است. به گفته طرفداران خصوصی‌سازی، اجرای این سیاست در کوتاه‌مدت افزایش درآمد دولت از محل فروش بنگاه‌های دولتی و کاهش کسر بودجه را موجب می‌شود و در بلندمدت به پیشرفت فناوری، افزایش کارایی و ایجاد بخش خصوصی و تقویت آن می‌انجامد (التجایی و عباس زاده، ۱۳۹۷). در کشور ایران، با اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴، بخش‌هایی از وظایف تصدی‌گری وزارت جهاد کشاورزی به بخش خصوصی و تعاونی واگذار شد (کریم و همکاران، ۱۳۹۴). با وجود این، به نظر می‌رسد با گذشت تقریباً یک دهه از اجرایی شدن این سیاست، هنوز برخی از فعالیت‌ها وجود دارند که واگذار نشده‌اند و همچنین در مورد فعالیت‌های واگذار شده، ارزیابی خوبی وجود ندارد (معافی غفاری، ۱۳۸۶؛ کریم و همکاران، ۱۳۹۴). برخی کارشناسان اعتقاد دارند که شیوه اجرایی کردن اصل ۴۴ سبب شده است حتی در قالب واگذاری‌ها نیز روح دولتی بنگاه‌ها حفظ شود و سازمان‌های جدیدی به‌عنوان «حصولتی» متولد شوند (ولیزاده، ۱۳۹۶)؛ اما گروه دیگری از منتقدان خصوصی‌سازی بر این باورند که سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی در دوران تدوین خود بسیار بالنده بوده ولی با توجه به تغییراتی که در گذر زمان در سطح کشور رخ داده است، این قانون نیز باید مورد بازنگری قرار می‌گرفت که متأسفانه این اقدام انجام نشد و روح ناکارآمدی در کالبد خصوصی‌سازی دمیده شد (مؤمنی و حاجی نوروزی، ۱۳۹۶).

خصوصی‌سازی در واقع یکی از اشکال تمرکززدایی است. تمرکززدایی به معنای انتقال قسمتی از اختیارات از سطوح بالای سازمان به سطوح اجرایی به‌منظور تسریع در تصمیم‌گیری، ایجاد تنوع متناسب با شرایط و صرفه‌جویی در امکانات و منابع است. بنا به اظهار بانک جهانی، تمرکز و عدم تمرکز مطلق وجود ندارد و در بسیاری از کشورها توازنی از هر دو برای کارآمد شدن نظام‌های خدمات‌رسانی لازم است (مختاری حصاری و همکاران، ۱۳۸۶). تمرکززدایی از دهه ۱۹۴۰ آغاز شد (Cohen and Peterson 1996) و در آن زمان به معنی تغییر قدرت درون مراجع

مدیریتی دولتی بود (Smith, 1985) و بعدها، به تغییر قدرت، اختیارات و مسئولیت در میان نهادهای دولتی، جامعه مدنی، سازمان‌ها و عوامل اقتصادی خصوصی اطلاق شد (Cheema et al., 2007).

با اینکه دسته‌بندی انواع تمرکززدایی در منابع مختلف اندکی تفاوت دارد، می‌توان گفت سه نوع مهم از تمرکززدایی به‌طور عمومی شناخته شده است: الف) تمرکززدایی سیاسی یا دموکراتیک که قدرت تصمیم‌گیری را به مجموعه‌های غیردولتی منتقل می‌سازد؛ ب) تمرکززدایی مدیریتی که به معنی انتقال قدرت دولت مرکزی به شاخه‌های محلی است و ج) تمرکززدایی مالی که به معنی انتقال منابع و قدرت درآمدزایی از منبع اختیار مرکزی است (Crewett, 2016).

در بخش کشاورزی نیز در طول دهه ۱۹۸۰، دولت‌ها تشخیص دادند که سازمان‌های غیردولتی نقش مهمی در ارائه خدمات به کشاورزان می‌توانند ایفا کنند و به آنها کمک کردند تا در جهت توسعه کشاورزی در روشی هماهنگ در چارچوب سیاست‌های تمرکززدایی ملی تلاش کنند (مختاری حصاری و همکاران، ۱۳۸۶). تمرکززدایی تأثیرات عمیقی بر نظارت و کنترل دولت مرکزی از جنبه‌های مالی و اقتصادی دارد، اما در بسیاری از کشورها، تأثیرات آن به‌طور ناسازگاری در جهت تضعیف بازده دولت‌های محلی و انتقال منابع از دولت مرکزی است و در بسیاری از موارد، انتقال کارکردها متناسب با انتقال منابع نیست و این باعث کاهش کیفیت و کمیت ارائه خدمات می‌گردد (همان، ۱۳۸۶). علاوه بر این، زیرساختارهای کشاورزی و خدمات کشاورزی مانند ترویج کشاورزی، آبیاری، ارائه نهاده‌های اولیه، خدمات مالی و مدیریتی، عناصر اصلی برای مبارزه با فقر روستایی هستند. به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه، این خدمات اصلی اغلب به اندازه ناکافی و با کیفیت کم ارائه می‌شوند و معمولاً در دسترس فقرا قرار نمی‌گیرند (World Bank, 2003).

به‌طور کلی، از ویژگی‌های بخش کشاورزی در ایران حداقل وابستگی به بخش دولتی است به‌طوری‌که ۹۸ درصد از فعالیت‌های بخش کشاورزی توسط خود تولیدکنندگان انجام می‌شود. در

ساختار کنونی اقتصاد ایران، با توجه به وضعیت نظام بهره‌برداری، اکثر واحدهای کشاورزی متعلق به کشاورزان است؛ یعنی فعالیت این گروه ماهیت خصوصی دارد (دلاوری، ۱۳۹۵). نقش دولت بیشتر در تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری است (ک.خالدی، ۱۳۹۵). در برخی موارد نیز دولت مستقیماً در امور بازرگانی و خرید محصولاتمانند گندم وارد می‌شود (م.خالدی، ۱۳۹۵). در چنین شرایطی، برخی از فعالیت‌های توسعه‌ای کشاورزی هم که قبلاً از وظایف دولت بوده، به بخش غیردولتی محول شده است؛ بنابراین، لازم است دستاورد حاصل از این واگذاری‌ها بررسی شود.

به منظور درک بهتر شرایط موجود، تحقیقات قبلی انجام‌گرفته در زمینه واگذاری فعالیت‌های کشاورزی و منابع طبیعی به بخش غیردولتی بررسی شدند. دسته‌ای از تحقیقات زمینه‌های مشارکت بخش غیردولتی در فعالیت‌های توسعه‌ای کشاورزی و یا منابع طبیعی را بررسی کرده‌اند؛ برای مثال، قاسمی و سعدی (۱۳۷۸) در مطالعه‌ای، زمینه‌های همکاری شوراهای اسلامی روستایی در مدیریت منابع طبیعی را بسیار متنوع یافتند به گونه‌ای که از انجام امور خدماتی و حفاظتی شروع و به موارد پیچیده‌تر یعنی شرکت در برنامه‌ریزی‌ها و ارزشیابی فعالیت‌های منابع طبیعی ختم می‌شود.

زمینه‌های مشارکت سازمان‌های غیردولتی در فعالیت‌های ترویج و توسعه منابع طبیعی توسط عباسی و همکاران (۱۳۸۶) بررسی شد. این تحقیق نشان داد که سازمان‌های غیردولتی در طیفی از زمینه‌ها شامل: الف) تهیه نشریات و اطلاع‌رسانی، ب) آموزش و فرهنگ‌سازی، ج) برگزاری همایش، هم‌اندیشی و کارگاه‌های آموزشی، د) جلب مشارکت مردم، ه) توسعه فضای سبز و درختکاری، و) مطالعه و انجام طرح‌های پژوهشی می‌توانند مشارکت کنند.

دسته دیگری از تحقیقات به بررسی مشکلات و مسائل توسعه بخش غیردولتی در کشاورزی پرداختند؛ برای مثال، نتایج مطالعه مسعودنیا (۱۳۸۳) نشان داد که موانع توسعه شرکت‌های خصوصی و فعالیت‌هایشان در بخش کشاورزی و منابع طبیعی عبارت‌اند از: توسعه‌نیافتگی بخش کشاورزی تجاری در ایران، انگیزه کم بخش خصوصی برای سرمایه‌گذاری،

عدم توانایی کشاورزان جهت پرداخت هزینه خدمات ترویج خصوصی، بالا بودن جمعیت کشاورزان خرده‌پا، آموزش و سازمان‌دهی نامناسب نیروی کار فعال در بخش خصوصی، پایین بودن سطح سواد کشاورزان، نبود پشتوانه تحقیقاتی همانند بخش دولتی، توجه کمتر بخش خصوصی به سیاست‌های ملی در بخش کشاورزی، ارتباطات ضعیف دوسویه بخش‌های تحقیقات و آموزش کشاورزی.

مطالعه آقاخانی و همکاران (۱۳۸۹) نشان داد که وجود مشکلات درون‌سازمانی و برون‌سازمانی مانع از اجرای بهینه فعالیت‌ها در سازمان‌های مردم‌نهاد در زمینه حفاظت و حمایت از مناطق کویری و بیابانی است.

بوذرجمهری و جوانی (۱۳۹۳) عملکرد تشکل‌های غیردولتی در رسیدن به توسعه پایدار روستایی را بررسی کردند و به این نتیجه رسیدند که تشکل‌های غیردولتی با مشکل بزرگ کمبود بودجه مواجهند، مردم به این نهادها بی‌اعتمادند و درنهایت، انگیزه اعضای این تشکل‌ها کم و مشکلات درونی نهاد غیردولتی از جمله ضعف مدیریت ایجاد شده است.

دیویدسون و همکارانش (Davidson et al., 2001) کارآمدی شرکت ترویج خصوصی Ciba را بررسی کردند و نشان دادند از آنجاکه هدف اول ترویج بخش خصوصی کسب سود است، این بخش بیشتر در پی رفع نیازهای کشاورزانی است که زمین‌های بزرگ دارند و از منابع برخوردارند و از طرف دیگر، ترویج بخش دولتی بیشتر به سمت کشاورزانی متمایل شده است که سواد بیشتری دارند اما لزوماً زمین‌های بزرگ ندارند.

ابوگی (Aboagye, 2015) اثر تمرکززدایی را بر دسترسی کشاورزان به خدمات مشاوره‌ای در غنا بررسی کرد و نشان داد به دلیل ضعف ظرفیت نهادی، مشارکت اثربخش کم بهره‌برداران، عدم پاسخگویی، و بودجه ناکافی تمرکززدایی نتوانسته است به نتایج مطلوب برای کشاورزان منتهی شود.

رضوان فر و همکارانش (۱۳۸۶) در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که جایگزینی کامل خدمات خصوصی با خدمات دولتی در زیربخش امور دام در شرایط موجود امکان‌پذیر نیست. به‌کارگیری شیوه‌هایی نظیر دریافت مستقیم وجه در ازای خدمات ترویجی به‌عنوان ناکارآمدترین شیوه خصوصی‌سازی و راه‌اندازی پایگاه‌های خدمات مشاوره‌ای و ارائه خدمات آموزشی ترویجی بهره‌برداران به صورت سهمبری و نیز خصوصی‌سازی ترویج امور دام از طریق تأسیس واحدهای خدمات آموزشی - ترویجی توسط تشکل‌های مردمی و سازمان‌های غیردولتی به‌عنوان معتبرترین شیوه‌های خصوصی‌سازی ارزیابی شدند.

برخی تحقیقات نیز به آثار مثبت مشارکت بخش غیردولتی در توسعه کشاورزی و روستایی رسیدند؛ از جمله راهداری و همکاران (۱۳۹۳) در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که سه رکن اساسی حفاظت از منابع طبیعی عبارت‌اند از: تشکل‌های مردمی، قوانین ملی و بین‌المللی و آموزش. همچنین نامبیرو و همکارانش (Nambiro et al., 2006) در مطالعه‌ای نتیجه گرفتند واکتاری خدمات ترویج کشاورزی موجب افزایش دسترسی کشاورزان کنیایی به خدمات ترویج کشاورزی می‌شود و کانال‌های مختلف ارائه خدمات ترویجی با یکدیگر هم‌افزایی دارند و از روش‌های چندگانه برای ارائه خدمات استفاده می‌کنند هرچند خدمات ترویجی دولتی هزینه کمتر و بالاترین کیفیت را دارد.

در جمع‌بندی نتایج تحقیقات پیشین می‌توان گفت بخش غیردولتی آثار مثبتی در پیشبرد فعالیت‌های توسعه‌ای دارد و عوامل و چالش‌های مختلفی بر واکتاری فعالیت‌ها به بخش غیردولتی مؤثرند که برخی از آنها عوامل داخلی سازمان‌های غیردولتی‌اند و برخی مربوط به نهاد واکتارکننده می‌باشند.

با توجه به مطرح‌شدن مجدد واکتاری فعالیت‌ها به بخش غیردولتی در برنامه ششم توسعه، لازم است چالش‌های واکتاری فعالیت‌ها به بخش غیردولتی به صورت عمیق‌تر و جامع‌تر بررسی و طبق نتایج حاصل، برای تدوین سیاست‌ها اقدام گردد.

روش تحقیق

تحقیق حاضر یک تحقیق کیفی بود. طبق نظر عباس زاده (۱۳۹۱)، پرهیز از آمارگرایی صرف و تعریف تمام جنبه‌های ذهنیت انسانی با اعداد و ارقام و مشاهده رفتار به صورت طبیعی از ویژگی‌های تحقیق کیفی و به طبع، از جمله نخستین اهداف این پژوهش بود. در این تحقیق کیفی از روش تحلیل محتوا استفاده شد. تحلیل محتوای کیفی زمانی به کار می‌رود که اختلاف نظر و موضوعات حل نشده در رابطه با یک مفهوم وجود دارد (نوری و همکاران، ۱۳۹۶). در پژوهش حاضر، از نرم‌افزار MAXQDA برای تفسیر داده‌های به دست آمده در زمینه عوامل و چالش‌های واگذاری فعالیت‌های کشاورزی و منابع طبیعی به بخش خصوصی استفاده شد.

محدوده زمانی تحقیق حاضر سال‌های ۱۳۹۶ الی ۱۳۹۷ و محدوده مکانی آن مجموعه وزارت جهاد کشاورزی در سطح ستاد بوده است. جامعه مورد پژوهش را کارشناسان مسئول و یا مدیرانی تشکیل دادند که در سطح وزارت جهاد کشاورزی تجربه واگذاری امور به بخش غیردولتی را داشتند. نمونه‌گیری به شیوه گلوله برفی انجام شد. افرادی که حاضر به مصاحبه نبودند از مطالعه خارج شدند و در نهایت، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته انفرادی با ۲۱ نفر از جامعه آماری انجام گرفت. تعدادی از سؤالات کلی به عنوان راهنمای مصاحبه طراحی شد. پس از طرح سؤالات مختصر دموگرافیک، که پاسخ آنها به اختیار شرکت‌کنندگان گذاشته شده بود، سؤالات کلی مطرح گردید.

انتخاب نمونه‌ها و انجام مصاحبه آن قدر ادامه یافت که اشباع نظری حاصل شد؛ یعنی تا جایی که مصاحبه‌شوندگان چیزی برای اضافه کردن به موضوع نداشتند و داده جدیدی استخراج نشد. هر مصاحبه به مدت ۳۰ تا ۴۰ دقیقه در محل کار شرکت‌کنندگان با رعایت نکات اخلاقی و حفظ حقوق آنها انجام گرفت. نکات کلیدی مصاحبه‌ها یادداشت و بعد از آن، تایپ و سپس وارد نرم‌افزار MAXQDA شد. این نرم‌افزار به منظور تحلیل یافته‌های حاصل از مطالعات موردی، گروه‌های متمرکز، نظریه بنیادی، تحلیل محتوا و سایر تحقیقات کیفی به کار می‌رود.

همان‌گونه که شکل ۱ نشان می‌دهد، نظرات حول سه محور اصلی مزایای واگذاری، راهکارهای واگذاری و چالش‌های واگذاری‌اند. در ارتباط با هر محور اصلی، سه طبقه و در هر طبقه، کدهای فرعی نشان داده شده است.

واگذاری فعالیت‌های کشاورزی و منابع طبیعی به بخش غیردولتی دارای مزایای زیادی است که پرسش‌شوندگان از جمله آنها به این موارد اشاره کرده‌اند: افزایش کیفیت خدمات، افزایش سرعت خدمات‌رسانی، کاهش بروکراسی اداری (برای گروه هدف یا دریافت کنندگان خدمات توسعه‌ای کشاورزی و منابع طبیعی)، اشتغال‌زایی، افزایش اثربخشی نهایی برای مردم و بخش خصوصی در درازمدت، رونق تولید (برای بخش غیردولتی که خدمات را ارائه می‌دهد)، کاهش هزینه‌ها، اتمام پروژه‌های ناتمام، ارتقای سطح دانش و تجربه کارشناسان و تبادل اطلاعات و افزایش امکان کنترل بر فعالیت‌ها (برای بخش دولتی).

از چالش‌های واگذاری فعالیت‌های کشاورزی و منابع طبیعی به بخش غیردولتی نیز به این موارد اشاره شده است: احتمال سوءاستفاده کارفرمای دولتی از پتانسیل قرارداد با بخش خصوصی، افزایش هزینه‌های سازمان در صورت عدم مدیریت صحیح، عدم وجود اعتبارات کافی (برای بخش دولتی)، عدم مسئولیت‌پذیری بخش خصوصی در قبال تعهدات، احتمال کاهش راندمان به دلیل سابقه کم نیروهای بخش خصوصی (برای بخش غیردولتی که خدمات را ارائه می‌دهد) و عدم توانایی کشاورزان خرده‌پا و فقیر برای بهره‌مندی از خدمات بخش غیردولتی (برای گروه هدف یا دریافت‌کنندگان خدمات توسعه‌ای کشاورزی و منابع طبیعی).

همچنین راهکارهای واگذاری فعالیت‌های کشاورزی و منابع طبیعی به بخش غیردولتی عبارت بودند از: واگذاری امور به بخش مردمی و کشاورزان داوطلب علاوه بر شرکت‌های خصوصی، انتخاب صحیح شرکت‌های خصوصی، برگزاری دوره‌های بازآموزی سالانه برای بخش خصوصی، معرفی شرکت‌های خصوصی برتر، برگزاری جشنواره‌های سالانه، ایجاد رقابت در واگذاری و جلوگیری از ایجاد رانت و انحصار، توجه جدی به اقشار آسیب‌پذیر در اثنای

خصوصی سازی، اعمال مدیریت صحیح و دقیق بر امور واگذار شده، تأمین بودجه برای فعالیت های واگذار شده و تنظیم آیین نامه فنی و اجرایی برای واگذاری فعالیت ها به بخش غیردولتی. در حال حاضر، موارد واگذار شده به نظر می رسد اندک و محدود باشند. نمونه فعالیت های واگذار شده به بخش غیردولتی در جدول ۱ آمده و بخش های غیردولتی در جدول ۲ معرفی شده اند.

جدول ۱. فعالیت های واگذار شده به بخش غیردولتی از نظر افراد موردمصاحبه

ردیف	عنوان	فراوانی
۱	انجام تحقیقات مربوط به تولید محصول سالم	۳
۲	بررسی آلودگی های حاصل از فعالیت های کشاورزی و صنعتی	۱
۳	تأمین نهاده ها و تجهیزات کشاورزی	۳
۴	فعالیت های صیادی، تکثیر و پرورش ماهی	۱
۵	ارائه خدمات مشاوره ای در مورد سموم و آفات	۳
۶	برگزاری نمایشگاه و جشنواره	۴
۷	ترجمه مطالب تحقیقاتی	۱
۸	تدریس در دوره آموزشی	۳
۹	ارزیابی عیار چغندر قند در کارخانه	۱
۱۰	برگزاری دوره های کوتاه مدت آموزشی در روستا	۱

مأخذ: یافته های تحقیق

جدول ۲. بخش های غیردولتی از نظر افراد موردمصاحبه

ردیف	عنوان	فراوانی
۱	کلینیک های گیاه پزشکی	۴
۲	اعضای هیئت علمی دانشگاه یا مؤسسات پژوهشی (شرکت های دانش بنیان)	۳
۳	شرکت های خدمات مشاوره ای	۵
۴	شرکت های تعاونی صید و صیادی	۱
۵	فارغ التحصیلان بیکار	۳
۶	تعاونی های کشاورزان	۱
۷	شرکت های مجری جشنواره و نمایشگاه	۴

مأخذ: یافته های تحقیق

همان‌گونه که جدول ۱ نشان می‌دهد، بیشترین واگذاری در زمینه برگزاری نمایشگاه و جشنواره بوده است که نوعاً از جنس فعالیت‌های ترویجی می‌باشد. همچنین تعدادی از پاسخگویان به واگذاری امور تأمین و پخش نهاده‌ها و تجهیزات کشاورزی اشاره کرده‌اند. این فعالیت نیز از نوع ترویجی است. فعالیت‌های ترویجی و آموزشی عمدتاً سال‌ها از وظایف دولت به شمار می‌رفته است. در سراسر دنیا، وضع به همین صورت بوده است؛ با هدف افزایش اثربخشی آموزش‌ها، خصوصی‌سازی ترویج مطرح شد و در ایران نیز به آن توجه گردید. از نظر پاسخگویان، در میان بخش‌های غیردولتی، بیشترین واگذاری به شرکت‌های خدمات مشاوره‌ای فنی و مهندسی صورت گرفته است (جدول ۲).

در نرم‌افزار MAXQDA، فعالیت‌های مذکور در چهار حیطه کلی دسته‌بندی شدند که عبارت‌اند از: سرمایه‌گذاری و تولید، ترویج و خدمات کشاورزی، تحقیقات کشاورزی، و مدیریت، نظارت و ارزشیابی (جدول ۳).

جدول ۳. زمینه‌های چهارگانه واگذاری فعالیت‌ها به بخش غیردولتی

عنوان	حیطه کلی
فعالیت‌های صیادی، تکثیر و پرورش ماهی	سرمایه‌گذاری و تولید
بررسی آلودگی‌های حاصل از فعالیت‌های کشاورزی و صنعتی	
تأمین نهاده‌ها و تجهیزات کشاورزی	
برگزاری دوره‌های کوتاه‌مدت آموزشی در روستا	ترویج و خدمات کشاورزی
ارائه خدمات مشاوره‌ای در مورد سموم و آفات	
برگزاری نمایشگاه و جشنواره	
تدریس در دوره آموزشی	
انجام تحقیقات مربوط به تولید محصول سالم	تحقیقات کشاورزی
ترجمه مطالب تحقیقاتی	
ارزیابی عبار چغندر قند در کارخانه	مدیریت، نظارت و ارزشیابی

مأخذ: یافته‌های تحقیق

در زمینه سرمایه‌گذاری و تولید، نتایج نشان داد نزدیک به کل سرمایه‌گذاری بخش کشاورزی توسط خود تولیدکنندگان انجام می‌شود و مشارکت دولت در سرمایه‌گذاری زیاد نیست. با توجه به جدول ۳، فعالیت‌های صیادی، تکثیر و پرورش ماهی مربوط به این حیطه هستند.

در زمینه آموزش، ترویج و خدمات کشاورزی درکل، نتیجه گرفته شد بیشترین واگذاری انجام‌گرفته است و ۶ فعالیت در این حیطه شناسایی شدند که از میان آنها از نظر پرسش‌شوندگان، بیشترین واگذاری به برگزاری نمایشگاه و جشنواره اختصاص داشته است. با این حال، در این حیطه هنوز مشکلاتی وجود دارد.

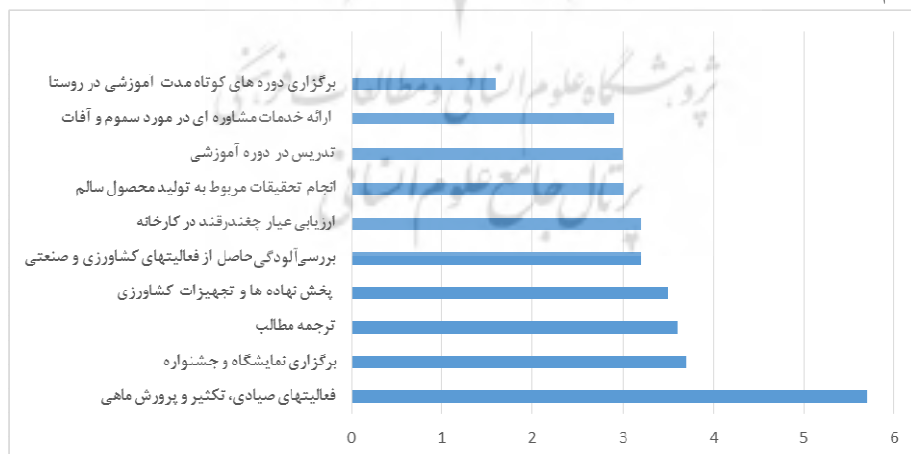
در مورد واگذاری تحقیقات، نتایج مشاهدات و مصاحبه‌های این تحقیق نشان داد که غالباً واگذاری امور تحقیقاتی مربوط به بخش تولید محصول سالم بوده است. زمانی که صحبت از خصوصی‌سازی تحقیقات به میان می‌آید، توجه عمده معطوف به واگذاری به شرکت‌های دانش‌بنیان است که به درخواست بخش دولتی در دانشگاه‌ها ایجاد شده‌اند. همان‌گونه که جدول ۲ نشان می‌دهد، بخش قابل‌توجهی از واگذاری تحقیقات مربوط به اعضای هیئت‌علمی و یا فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها بوده است. هم‌اکنون شرکت‌های دانش‌بنیان بخش کشاورزی با مشکلات عدیده‌ای روبه‌رو هستند به طوری که تعدادی از این شرکت‌ها ورشکسته شده و یا در شرف ورشکستگی قرار دارند. در این باره، قربانی (۱۳۹۶) به بررسی مسائل و مشکلات شرکت‌های دانش‌بنیان در بخش کشاورزی پرداخت و نشان داد که با وجود حمایت زیاد دولت از شرکت‌های دانش‌بنیان، معمولاً محصولات آنها مورد استقبال کشاورزان قرار نمی‌گیرد، زیرا با نیازهای واقعی آنها تطابق ندارد. از سوی دیگر، کشاورزان معمولی، بدون داشتن شرکت‌های عریض و طویل و پشتوانه‌های مالی دولتی، در نتیجه آزمون‌های تجربی خود، به دستاوردهای درخور توجهی دست پیدا کرده‌اند که مورد قبول نهادهای دولتی، به عنوان یک دستاورد تحقیقاتی بومی، قرار نگرفته اما تغییرات اساسی در کشاورزی به وجود آورده است.

در مورد واگذاری مدیریت، نظارت و ارزشیابی نتایج نشان داد در فعالیت‌های واگذارشده به سازمان‌های غیردولتی در بخش کشاورزی، بیشتر بخش اجرا مدنظر است. بخش‌های

برنامه‌ریزی، مدیریت، نظارت و ارزشیابی توسط بخش دولتی انجام می‌گیرد و جای خالی مشارکت نهادهای غیردولتی به‌ویژه نهادهای مردمی و تعاونی در زمینه مدیریت، نظارت و ارزشیابی پروژه‌ها دیده می‌شود. مصاحبه‌های این تحقیق نشان داد یکی از زمینه‌هایی که برای حضور کشاورزان به‌عنوان ارزیاب و ناظر دیده شده است، ارزیابی عیار چغندر قند دریافتی در کارخانه‌های قند است. به‌منظور عدم تضییع حقوق کشاورزان، مقرر شد که یک نماینده از سوی کشاورزان در آزمایشگاه‌های عیارسنجی و تعیین افت کارخانه قند حضور داشته باشد اما به دلیل ضعیف بودن کشاورزان، دولت یک نماینده از سوی خود فرستاده و به او حقوق پرداخت می‌کند. به دلیل پایین بودن این حقوق، نمایندگان مذکور تمایلی برای ادامه این کار ندارند. این در حالی است که در کشورهای پیشرفته دنیا، نمایندگان کشاورزان با قدرت از حق چغندرکاران دفاع می‌کنند.

تحلیل میزان مطلوبیت واگذاری امور به بخش غیردولتی

بر اساس کدهای داده‌شده به محتوای مصاحبه‌ها، مطلوبیت فعالیت‌های واگذار شده براساس وزن و امتیازشان رتبه‌بندی شدند. در مورد فعالیت‌هایی که در چند مورد تکرار شده بودند، میانگین میزان مطلوبیت آن فعالیت استخراج گردید. در نهایت، بر پایه امتیاز میزان مطلوبیت، نمودار ۱ ترسیم شد.



نمودار ۱. میزان مطلوبیت واگذاری امور به بخش غیردولتی (مأخذ: یافته‌های تحقیق)

همان‌گونه که نمودار بالا نشان می‌دهد، بیشترین مطلوبیت در زمینه فعالیت‌های صیادی، تکثیر و پرورش ماهی دیده می‌شود. در توضیح این تجربه، چنین بیان شده است:

تا قبل از دهه هفتاد، تقریباً تمام فعالیت‌های صید و صیادی و تکثیر و پرورش ماهی و نیز صنایع وابسته در اختیار واحدهای دولتی قرار داشت و همین باعث توقف رشد شیلات بود. با واگذاری امور صید به بخش تعاونی و خصوصی و فروش شناورهای صیادی و مجتمع‌ها و سردخانه‌های دولتی به این بخش‌ها، روند رشد فعالیت‌های صیادی شتاب گرفت و امروز شاهد رشد روزافزون صید حتی در آب‌های فراتر از مرزها هستیم. از طرف دیگر، در زمینه‌های پرورش ماهی نیز با واگذاری کلیه فعالیت‌های تکثیر و پرورش به بخش تعاونی و خصوصی، با افزایش تولید روبه‌رو هستیم به‌گونه‌ای که در بعضی موارد جزو کشورهای پیشرو به شمار می‌آییم.

میزان مطلوبیت عملکرد بخش خصوصی در برگزاری دوره‌های کوتاه‌مدت آموزشی در روستاها و خدمات مشاوره‌ای از همه موارد کمتر بوده است. مصاحبه‌های انجام‌شده در طول این تحقیق نشان داد که معمولاً بودجه کافی برای این دوره‌ها در نظر گرفته نمی‌شود. نیروهای این شرکت‌ها شامل فارغ‌التحصیلان بخش کشاورزی بوده است که هنوز نتوانسته‌اند رابطه‌ای اثربخش با تولیدکنندگان بخش کشاورزی ایجاد کنند. همچنین در سراسر دنیا، توجه خاصی به نیازهای گروه‌های فقرا، جوانان روستایی، زنان و کشاورزان کهنسال وجود دارد. در این نوع از ترویج، که بر مبنای دریافت هزینه از کشاورز است، این گروه‌ها عملاً از زمره مخاطبان حذف می‌گردند. به‌علاوه، رابطه بین ترویج دولتی و خصوصی در واقع، رابطه بین کارفرما و پیمانکار بوده و در کمتر مواردی کمک و همکاری هر دو بخش برای پیشبرد اهداف ترویجی دیده می‌شود. این در حالی است که وجود همکاری و روابط مکمل بین دو بخش مستلزم تغییر قراردادهاست.

وضعیت موجود و وضعیت مطلوب برای ایفای نقش بخش غیردولتی حاضر در کشاورزی با توجه به دسته‌بندی چهارگانه از زمینه‌های ایفای نقش بخش غیردولتی در کشاورزی، وضعیت موجود و وضعیت مطلوب در هر یک از این زمینه‌ها از متن مصاحبه‌ها استخراج شد. نتیجه این تحلیل در جدول ۴ نشان داده شده است.

جدول ۴. جمع‌بندی وضعیت موجود و وضعیت مطلوب برای ایفای نقش بخش غیردولتی حاضر در

کشاورزی

وضعیت مطلوب	وضعیت موجود	زمینه
افزایش نقش دولت در سرمایه‌گذاری‌های عمومی بخش کشاورزی با تأکید بر منافع کشاورزان خرده‌پا، ارائه یارانه همچون کشورهای پیشرفته	کم‌شدن زیاد نقش دولت و ایجادشدن صندوق‌های مادر تخصصی	سرمایه‌گذاری و تولید
- تأکید بر شیوه‌های نوین ترویج، واگذاری بیشتر به تعاونی‌ها و کشاورزان داوطلب - تأکید بر نیازهای گروه‌های خاص فقرا، جوانان، زنان و کهنسالان در ترویج دولتی - تأکید بر وجود روابط مکمل بین ترویج دولتی و خصوصی به جای روابط کارفرمایی و پیمانکاری	- واگذاری عمده این نوع فعالیت‌ها به شرکت‌های خدمات فنی مهندسی مشاوره‌ای (شامل فارغ‌التحصیلان بخش کشاورزی) و اجرای آموزش‌ها به صورت برگزاری کلاس‌های آموزشی - بی‌توجهی به نیازهای اقشار خاص	ترویج و خدمات کشاورزی
- توجه به حضور مردم و نهادهای مردمی در نظام تحقیقات کشاورزی خصوصی - توجه به تحقیقات کاربردی انجام شده در مزارع به‌ویژه مزارع خرد و کوچک - تغییر دستورالعمل‌های مربوطه به نحوی که تحقیقات مشترک کشاورز - پژوهشگر انجام شوند.	اجرا توسط شرکت‌های دانش‌بنیان به‌طور عمده	تحقیقات
- تقویت جایگاه کشاورزان و نهادهای آنها برای ایفای نقش به‌عنوان مدیر، ناظر و ارزیاب برنامه‌های دولتی	در این زمینه فعالیت عمده‌ای تاکنون واگذار نشده است.	مدیریت، نظارت و ارزشیابی

مأخذ: یافته‌های تحقیق

با توجه به مطالب مطرح‌شده در مصاحبه‌ها، مهم‌ترین مسائل و مشکلات بخش غیردولتی

شامل موارد زیر است:

- نقش قوی و انحصاری دولت در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی کشاورزی ایران موجب شده است تا بخش غیردولتی قدرت لازم را پیدا نکند و فرصت‌های کافی برای رشد و پرورش نداشته باشد.

- در طول سال‌های توجه به خصوصی‌سازی، دولت با ایجاد بخش خصوصی و سپردن اغلب کارها به این بخش، مشارکت بخش تعاونی‌ها و تشکل‌ها را محدود کرده است.

- روند شکل‌گیری تشکل‌ها و سازمان‌های خصوصی از بالا به پایین بوده که بیشتر ناشی از تمایل دولت به توسعه این نهادها و نه به دلیل احساس نیاز از سطوح پایین‌دست بوده است.

- تعادل و هماهنگی بین نقش‌های بخش دولتی و غیردولتی در زمینه سرمایه‌گذاری، تحقیقات، آموزش، ترویج و خدمات کشاورزی و مدیریت، نظارت و ارزشیابی وجود ندارد.

- در واگذاری‌ها، مشارکت و همکاری بخش خصوصی و دولتی در اجرای کارها مدنظر نیست، بلکه واگذاری اجرای فعالیت‌ها از سوی کارفرما به پیمانکار در نظر است.

مهم‌ترین مشکلات و دلایل زمینه‌ای آنها در امر واگذاری فعالیت‌ها به بخش غیردولتی در جدول ۵ نشان داده شده است.

جدول ۵. تحلیل مشکلات اساسی در زمینه واگذاری فعالیت‌ها به بخش غیردولتی

مشکلات واگذاری	آثار	شرایط موجود
- نبود تشکل‌های قدرتمند و دارای توان لابی‌گری در میان فعالان بخش غیردولتی	نقش قوی و انحصاری دولت در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی کشاورزی	ساختار متمرکز، سیاست‌گذاری، تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی
- وابستگی نمایندگان تشکل‌ها به دولت و عدم ایفای نقش در ارائه نظرات کشاورزان و تولیدکنندگان	ایران	

شرایط موجود	آثار	مشکلات واگذاری
مشارکت مستقیم دولت در مالکیت و مدیریت منابع آبی	- مدیریت آب از زمان پهلوی از کشاورزان گرفته و به دولت سپرده شد. - آب که در بخش کشاورزی از گذشته در زیر زمین (قنات‌ها) نگهداری می‌شده، به روی زمین آمده است (سدها).	- نبود تشکل‌های توانمند دارای نفوذ کافی برای گرفتن حقاچه کشاورزان و نقش مدیریتی در کنترل آب - عدم وجود فرصت مشارکت قانونی کشاورزان و تشکل‌های آنها برای مشارکت در مدیریت آب
مشارکت مستقیم دولت در بازرگانی بخش کشاورزی	زمانی که در بازار بحران به وجود می‌آید، دولت در قیمت‌گذاری مستقیماً وارد می‌شود.	- نبود فرصت برای اظهارنظر تشکل‌های کشاورزان در مورد شیوه‌های تنظیم بازار
اجزای بخش غیردولتی در کشاورزی ایران	دولت با ایجاد بخش خصوصی و سپردن اغلب کارها به این بخش، مشارکت بخش تعاونی‌ها و تشکل‌ها را محدود کرده است.	- کمتر بودن حیطه کار و فرصت رشد نهادهای غیردولتی مردمی نسبت به نهادهای غیردولتی خصوصی
اشکال در روند تکامل بخش غیردولتی در کشاورزی ایران	روند شکل‌گیری از بالا به پایین عمدتاً ناشی از تمایل دولت به توسعه این نهادهاست نه به دلیل احساس نیاز از سطوح پایین‌دست.	- مشکلات ناشی از مأموریت‌ها و اهداف از پیش تعیین‌شده برای نهادهای غیردولتی توسط دولت - هویت‌های گوناگون، مراجع قانونی و دستگاه‌های نظارتی متفاوت برای تشکل‌ها امکان ایجاد یک شبکه یا ساختار جامع برای متشکل شدن این واحدهای مختلف و متعدد را فراهم نکرده است - ضعف منابع مالی و عدم پایداری برخی نهادهای غیردولتی به‌ویژه خصوصی‌ها

شرایط موجود	آثار	مشکلات واگذاری
		- نقش کم‌رنگ دولت در مشارکت در سرمایه‌گذاری و جلب سرمایه‌ها
	تبادل و هماهنگی بین نقش‌های بخش	- عمدتاً واگذاری به شرکت‌های خدمات
نقص در وضعیت	دولتی و غیردولتی در زمینه	مشاوره‌ای صورت گرفته و سایر بخش‌های
موجود نقش بخش	سرمایه‌گذاری، تحقیقات، آموزش، ترویج	غیردولتی نقش کمتری دارند
غیردولتی در	و خدمات کشاورزی و مدیریت، نظارت	- تحقیقات خصوصی به شرکت‌های دانش‌بنیان
کشاورزی	و ارزشیابی وجود ندارد.	واگذار می‌شود که محصولات خاص غیرمنطبق با نیازهای کشاورزان تولید می‌کنند.
		- در زمینه واگذاری مدیریت، نظارت و ارزشیابی کار عمده‌ای تاکنون واگذار نشده است.
وجود مشکل در	مشارکت بخش خصوصی و دولتی در	- نبود پیوندهای نزدیک همکاری و تبادل
اهداف و نحوه	اجرای کارها مدنظر نیست بلکه واگذاری	تجارب و قابلیت‌های بخش‌های خصوصی و
واگذاری فعالیت‌ها به	اجرای فعالیت‌ها از سوی کارفرما به	غیردولتی برای رسیدن به اهداف مشترک
بخش غیردولتی	پیمانکار در نظر است.	

مأخذ: یافته‌های تحقیق

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

واگذاری فعالیت‌های توسعه‌ای کشاورزی و منابع طبیعی به بخش غیردولتی دارای مزایای زیادی است که مدیران و کارشناسان مسئول در این تحقیق به برخی از آنها اشاره کرده‌اند که عبارت‌اند از: افزایش کیفیت خدمات، افزایش سرعت خدمت‌رسانی، کاهش بروکراسی اداری، اشتغال‌زایی، افزایش اثربخشی نهایی برای مردم و بخش خصوصی در درازمدت، رونق تولید، کاهش هزینه‌ها، اتمام پروژه‌های ناتمام، ارتقای سطح دانش و تجربه کارشناسان و تبادل اطلاعات و افزایش امکان کنترل بر فعالیت‌ها.

در ایران، دولت در سیاست‌گذاری و تصمیم‌سازی‌های کلان بخش کشاورزی نقش بسیار قوی دارد. این یافته در تحقیقات متعددی از جمله تحقیقات ک. خالدی (۱۳۹۵) و م. خالدی (۱۳۹۵) مورد تأیید قرار گرفته است. از سوی دیگر، آسیب‌ها و تهدیدهایی رودرروی سازمان‌های غیردولتی در بخش کشاورزی شده‌اند. روند شکل‌گیری و توسعه سازمان‌های غیردولتی بخش کشاورزی از بالا به پایین بوده است. همچنین برخی سازمان‌های خصوصی شکل گرفته‌اند که همچنان با اهداف سازمان‌های دولتی فعالیت‌ها را به اسم خصوصی‌سازی دنبال می‌کنند و ساختاری نه بر اساس نیازهای واقعی بهره‌برداران بلکه بیشتر بر پایه تأمین اهداف کلان سیاستی بخش کشاورزی دارند. این نتایج در تحقیقات بوذرجمهری و جوانی (۱۳۹۳)، آقاخانی و همکاران (۱۳۸۹)، مسعودنیا (۱۳۹۳) و آبوگی (Aboagye, 2015) تأیید شده است.

بر اساس نتایج دسته‌بندی چهارگانه فعالیت‌های بخش غیردولتی در کشاورزی مشخص شد در زمینه سرمایه‌گذاری، نزدیک به کل سرمایه‌گذاری بخش کشاورزی توسط خود تولیدکنندگان انجام می‌شود و مشارکت دولت در سرمایه‌گذاری زیاد نیست این امر در تحقیق دلاوری (۱۳۸۵) نیز تأیید شده است. فعالیت‌های صیادی، تکثیر و پرورش ماهی در این حیطه بیشترین میزان مطلوبیت را داشت.

در زمینه آموزش، ترویج و خدمات کشاورزی بیشترین واگذاری انجام شده است (به‌ویژه در زمینه برگزاری نمایشگاه و جشنواره) هرچند در این حیطه هنوز مشکلاتی وجود دارد. مشکلات واگذاری امور ترویجی و آموزشی به بخش غیردولتی در تحقیقات رضوان فر و همکارانش (۱۳۸۶) و داویدسون و همکارانش (Davidson et al., 2001) و مسعودنیا (۱۳۸۳) تأیید شده است.

در زمینه تحقیقات کشاورزی، واگذاری کمتر انجام شده و غالباً واگذاری امور تحقیقاتی مربوط به بخش تولید محصول سالم بوده است. زمانی که صحبت از خصوصی‌سازی تحقیقات به

میان می‌آید، توجه عمده به سمت واگذاری به شرکت‌های دانش‌بنیان است که عمدتاً به درخواست بخش دولتی در دانشگاه‌ها ایجاد شده‌اند. هم‌اکنون شرکت‌های دانش‌بنیان بخش کشاورزی با مشکلات عدیده‌ای روبه‌رو هستند؛ برای مثال، معمولاً محصولات آنها مورد استقبال کشاورزان قرار نمی‌گیرد چراکه محصول با نیازهای کشاورزان تطابق ندارد. یافته‌های تحقیق قربانی (۱۳۹۶) نیز همسو با این یافته است.

در زمینه مدیریت، نظارت و ارزشیابی، مصاحبه‌های این تحقیق نشان داد یکی از زمینه‌هایی که برای حضور کشاورزان به‌عنوان ارزیاب و ناظر دیده شده است، ارزیابی عیار چغندر قند دریافتی در کارخانه‌های قند است. بخش‌های برنامه‌ریزی، مدیریت، نظارت و ارزشیابی توسط بخش دولتی انجام می‌گیرد و جای خالی مشارکت نهادهای غیردولتی به‌ویژه نهادهای مردمی و تعاونی به‌شدت احساس شده و مشکلات اساسی را در واگذاری و اجرای این برنامه‌ها به وجود آورده است. یکی از دلایل این امر، ضعف و عدم توانمندی این تشکل‌ها در چانه‌زنی و مذاکره است.

با توجه به نتایج این تحقیق، پیشنهادهای اصلی زیر ارائه می‌شود:

نظر به مزایای زیاد واگذاری فعالیت‌های کشاورزی به بخش غیردولتی، پیشنهاد می‌شود موانع بخش دولتی برای واگذاری فعالیت‌ها در هر مورد به‌طور خاص بررسی و به‌طور جدی با آنها مقابله گردد. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، با توجه به ضعف نقش بخش غیردولتی در زمینه سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی، لازم است توانمندسازی سازمان‌های غیردولتی در بخش کشاورزی و منابع طبیعی، به‌ویژه سازمان‌های مردم‌نهاد، در دستور کار سازمان‌های دولتی قرار گیرد؛ برای نمونه، اقداماتی در رابطه با آموزش مدیریتی، کارآفرینی، توسعه بازار، مذاکره و چانه‌زنی و... در اسناد دولتی دیده شود.

با توجه به جدا بودن بخش‌های دولتی و غیردولتی پیشنهاد می‌گردد سیاست‌گذاری در راستای همکاری نهادهای دولتی و غیردولتی برای ایجاد توازن در

نقش‌های هر دو بخش ایجاد شود؛ به‌طور مثال، در جایی مانند سرمایه‌گذاری که بخش غیردولتی نقش بیشتری را می‌پذیرد، نیاز به کمک و مشارکت دولت است. این نوع همکاری‌ها از جنبه‌های مختلف می‌تواند باعث تسریع در رشد و توسعه اقتصاد کشاورزی گردد. البته سرمایه‌گذاری دولت باید به صورتی انجام شود که مزایای آن تنها نصیب گروه محدودی از فعالان نشود و به جذب نیروهای محلی و کشاورزان کوچک و خانواده‌های آنها در صنایع پسین کشاورزی و سایر امور تحقیقاتی، نظارتی، ترویجی و ... بینجامد.

با توجه به کاستی‌های اشاره‌شده در زمینه ترویج خصوصی، لازم است بر شیوه‌های نوین ترویج و انتقال یافته‌ها و واگذاری بیشتر به تعاونی‌ها و کشاورزان داوطلب تمرکز شود. همچنین باید تلاش شود روابط مکمل بین ترویج دولتی و خصوصی جایگزین روابط موجود کارفرما - پیمانکار گردد. در زمینه تحقیقات، پیشنهاد می‌شود دستورالعمل‌های مربوطه به نحوی تغییر یابد که تحقیقات مشترک کشاورز - پژوهشگر اجرا شود.

در پایان، چنان‌که نوری و همکارانش (۱۳۹۶) بیان کرده‌اند، باید گفت در تعمیم‌پذیری نتایج حاصل از مطالعات کیفی احتیاط وجود دارد، هرچند تلاش زیادی در جهت بالا بردن اعتبار تحقیق انجام شده باشد. بر همین اساس باید گفت که نمونه‌گیری غیرتصادفی و نیز جو حاکم بر محیط در مطالعه حاضر بی‌اثر نبوده است و لذا تعمیم یافته‌های آن پیشنهاد نمی‌گردد.

سپاسگزاری

بخشی از مطالعه حاضر منتج از طرح پژوهشی می‌باشد که در مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی، اقتصاد کشاورزی و توسعه روستایی در سال ۱۳۹۶ اجرا شد؛ پس از اتمام طرح، بررسی بیشتر همراه با مصاحبه‌های تکمیلی در سال ۱۳۹۷ انجام شد و مقاله حاضر تدوین گردید. لذا از مساعدت ریاست و معاونت پژوهشی این مؤسسه و

زحمات کلیه همکاران وزارت جهاد کشاورزی، که در انجام مصاحبه‌ها شرکت کردند، تقدیر و تشکر می‌گردد.

منابع

- آقاخانی، س.، مظفری، ع.، یوسفی، ی.، هادی پور، م. و چقائی، م. (۱۳۸۹). بررسی نقش سازمانهای مردم‌نهاد در حفاظت و حمایت از مناطق کویری و بیابانی ایران (مطالعه مورد استان مرکزی - کویر میقان). اولین همایش ملی مقابله با بیابان‌زایی و توسعه پایدار تالاب‌های کویری ایران، ۶ خرداد، اراک، سازمان جنگلها و مراتع کشور.
- التجایی، ا. و عباس زاده، ب. (۱۳۹۷). تأثیر خصوصی‌سازی در بهره‌وری نیروی کار و سودآوری شرکت‌های واگذار شده در ایران. فصلنامه اقتصاد و تجارت نوین، ۱۳(۱)، ۱ - ۲۰.
- بوذرجمهری، خ. و جوانی، خ. (۱۳۹۳). عملکرد تشکلهای غیردولتی با تأکید بر باشگاه کشاورزان جوان بر توسعه پایدار روستاهای شهرستان تربت‌حیدریه. همایش ملی مباحث نوین در کشاورزی، ۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۳، تهران.
- خالدی، ک. (۱۳۹۵). مشارکت در بخش کشاورزی ایران. تهران: وزارت جهاد کشاورزی، مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی، اقتصاد کشاورزی و توسعه روستایی.
- خالدی، م. (۱۳۹۵). توسعه مشارکت بخش خصوصی در کسب‌وکارهای کشاورزی. تهران: وزارت جهاد کشاورزی، مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی، اقتصاد کشاورزی و توسعه روستایی.
- دلاوری، ل. (۱۳۹۵). بخش خصوصی و جایگاه آن در توسعه کشاورزی. وزارت جهاد کشاورزی، سازمان جهاد کشاورزی استان قم.
- راهداری، م. ر.، خوارزمی، ر. و خسروی ح. (۱۳۹۳). ارزیابی ضرورت و چالشهای حفاظت از منابع طبیعی به منظور توسعه پایدار (مطالعه موردی جنگلهای زاگرس). دومین همایش ملی دانشجویی علوم جنگل، انجمن علمی دانشجویی جنگلداری دانشگاه تهران، ۱۷ اردیبهشت ۱۳۹۳.

- رضاپور نصرآباد، ر. (۱۳۹۶). معیارهای اعتبار و پایایی در پژوهش‌های کیفی. *مجله تحقیقات کیفی در علوم سلامت*، ۶(۴)، ۴۹۳ - ۴۹۹.
- رضوان فرا، زلالی، ن. و سپهریان، ن. (۱۳۸۶). بررسی امکان خصوصی‌سازی فعالیت‌های ترویجی امور دام کشور از دیدگاه متخصصین ترویج. *مجله علوم کشاورزی و منابع طبیعی*، ۱۴(۱)، ۲۵ - ۴۵.
- عباس زاده، م. (۱۳۹۱). تأملی بر اعتبار و پایایی در تحقیقات کیفی. *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۴۵(۱)، ۱۹ - ۳۴.
- عباسی، ع.، فهم، ا. و صرافانی ز. (۱۳۸۶). بررسی و اولویت‌بندی زمینه‌های مشارکت و همکاری سازمانهای غیردولتی در فعالیتهای ترویج و توسعه منابع طبیعی از دیدگاه کشاورزان. *فصلنامه جهاد*، شماره ۲۷۷، ۴۸ - ۶۰.
- قاسمی ا. و سعدی، ح. (۱۳۷۸). *رویکردی بر زمینه‌های همکاری شوراهای اسلامی روستایی در مدیریت منابع طبیعی از دیدگاه کارشناسان منابع طبیعی*. مجموعه مقالات اولین همایش منابع طبیعی مشارکت و توسعه ۲۸ و ۲۹ دی‌ماه، دفتر ترویج و مشارکت مردمی سازمان جنگل‌ها و مراتع.
- قربانی، ا. (۱۳۹۶). *بررسی مسائل و مشکلات شرکتهای دانش‌بنیان در بخش کشاورزی*. تهران: وزارت جهاد کشاورزی، مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی، اقتصاد کشاورزی و توسعه روستایی.
- کریم، ح.، شفافی شهری، و. و نصری، ل. (۱۳۹۴). ارزیابی فرآیند خصوصی‌سازی در راستای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی (افزایش سهم بخش خصوصی). *سیاست‌های راهبردی و کلان*، ۳(۱۱)، ۴۹ - ۶۲.

مختاری حصاری ا.، شعبانعلی فمی، ح.، اسدی ع. و زارعی دستگردی ز. (۱۳۸۶). ابعاد و اهمیت خدمات کشاورزی با تأکید بر تمرکززدایی در برنامه‌ریزی برای ارائه خدمات به کشاورزان. *مجله علمی-ترویجی جهاد*، شماره ۲۷۶، ۱۸۱ - ۱۹۸.

مسعودنیا، ل. (۱۳۸۳). بررسی نقش بخش خصوصی در ارائه خدمات ترویجی از دیدگاه ارائه‌دهندگان خدمات ترویجی و کشاورزی در شهرستان‌های ارومیه و خوی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، دانشکده کشاورزی و منابع طبیعی.

معافی غفاری، ع. (۱۳۸۶). مدیریت در اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی. *پیام مدیران فنی و اجرایی*، شماره ۲۱، ۱-۷.

مؤمنی، ف. و حاجی نوروزی، ش. (۱۳۹۶). اقتصاد سیاسی خصوصی سازی همراه با فساد. *فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی*، ۱۷(۶۷)، ۲۲۱ - ۲۵۲.

نوری، ا.، جویباری، ل. و ثناگو، ا. (۱۳۹۶). ادراک پرستاران از عوامل مؤثر بر استقلال حرفه‌ای در پرستاری، یک مطالعه کیفی. *مجله دانشکده پرستاری و مامایی*، ۱۵(۹۵)، ۴۶۹ - ۴۷۷.

ولی زاده (۱۳۹۶). مقایسه ویژگی‌های فرهنگ سازمانی در شرکتهای خصوصی با شرکتهای خصوصی، مطالعه موردی: شرکت آب و فاضلاب استان البرز و شرکت مهندسی مشاور آبان پارس. دومین کنفرانس بین‌المللی مدیریت و حسابداری. تهران، مؤسسه آموزش عالی صالحان. ۱۵ تیر ۱۳۹۶.

Aboagye, Y. P. (2015). *Promise and reality of decentralization the case of farmers' access to agricultural advisory services in the Sunyani Municipality of Ghana*. Lund University Master of Science in International Development and Management, June 2015.

Cheema, G. Shabbir & Rondinelli, Dennis A. (2007). *From government decentralization to decentralized governance*. In: Cheema, G. Shabbir

- and Rondinelli, Dennis A. (eds.) *Decentralizing Governance: Emerging Concepts and Practices*. Harvard, Washington, Cambridge, Mass.: John F. Kennedy School of Government, Harvard University. Brookings Institution Press, 1–20.
- Cohen, John M., & Peterson, Stephen B. (1996). *Methodological issues in the analysis of decentralization*. Washington: Harvard.
- Crewett, W. (2016). *Decentralization in the Kyrgyz agricultural sector, An institutional analysis*. Berlin: Lebenswissenschaftliche Fakultät.
- Davidson, A.P., Ahmad, M., & Ali, T. (2001). *Dilemmas of agricultural extension in Pakistan: food for thought*. Agricultural administration network paper. No. 116, London: Overseas Development Institute.
- Nambiro, E., Omiti, J., & Mugunieri, L. (2006). *Decentralization and access to agricultural extension services in Kenya*. Presentation at the International Association of Agricultural Economists Conference, Gold Coast, Australia, August 12-18
- Smith, B. C. (1985). *Decentralization*. London, Boston: G. Allen & Unwin.
- World Bank (2000). *Decentralizing agricultural extension: lessons and good practice*. Retrieved from site resources. [worldbank.org /INTARD/825826... /Decentralization. pdf](http://worldbank.org/INTARD/825826.../Decentralization.pdf).
- World Bank (2003). *Reaching the rural poor*. Washington, DC: World Bank.

Delegating Agriculture and Natural Resource Activities to the Non-governmental Sector Managers' and Experts' Vision in Ministry of Jihad-Agriculture

*Sh. Soltani*¹

Received: May 15, 2019 Accepted: Jul 14, 2019

Abstract

Like most organizations today, in order to achieve effectiveness in the agriculture and natural resources sector, there must be a balance between both the governmental and non-governmental sectors in carrying out the activities. Given the need to increase the rate of delegation to nongovernmental sector, the current study was conducted at the Ministry of Jihad-e-Agriculture. Using a qualitative method, semi-structured interviews were conducted with managers or experts who had the experience of delegating projects to private sector (n=21). Data were analyzed using MAXQDA software. Findings showed that in the Ministry of Jihad-e-Agriculture the most important part of the delegations to private sector has been in extension and training services. Presently, the role of the government is largely in the field of "national policy making and decision making in the agricultural sector", and there is a need for the involvement of the nongovernmental sector in this field. Also, the part of the nongovernmental sector in the "investment" is very large, and the need for supporting, guidance and assistance to small farmers in this field is apparent. In the field of "management, monitoring and evaluation", the participation of non-governmental organizations, especially the public and cooperative institutions, is very limited. One reason is the lack of lobbying power and low ability of these organizations to negotiate with government. Therefore, in the list of suggestions in this research, the first and most important one is to empower the non-governmental sector to play its role in improving the condition of agriculture and natural resources in Iran.

Keywords: Decentralization, Participation, Non-government Sector, Agriculture Sector.

1. Assistant Professor, Agricultural Planning and Economic Rural Development Research Institute (APERDRI), Tehran, Iran soltani.shohreh@gmail.com